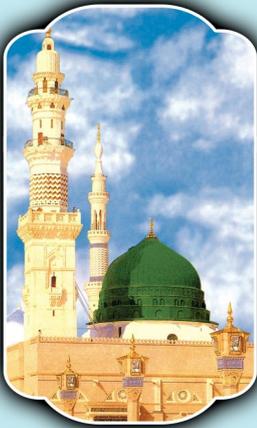


رایحه‌ی رحمان را از جانب یمن استشمام می‌کنم

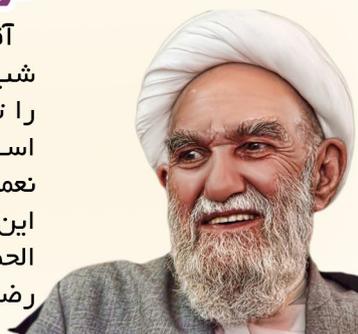


گناه دارای بوی بد است و انسان گنهکار بوی بد می‌دهد. اما انسان مؤمن خوشبوست. «اویس قرنی» تصمیم گرفت که به زیارت پیامبر خدا بیاید، مادرش گفت: «اگر به مدینه رفتی و پیامبر خدا(ص) در آنجا تشریف نداشتند، دیگر منتظر او نمان و برگرد.» اویس به مدینه آمد، اما پیامبر خدا(ص) بیرون مدینه بودند. اویس دیگر منتظر آن حضرت نشد و به خانه بازگشت. وقتی پیامبر(ص) وارد مدینه و خانه‌شان شدند، فرمودند: «إِنِّي أَشَمُّ رَائِحَةَ الرَّحْمَنِ مِنْ جَانِبِ الْيَمَنِ»؛ «من رایحه‌ی رحمان را از جانب یمن استشمام می‌کنم، اویس در یمن بود.» اصحاب گفتند: «بله، شخصی به نام اویس قرنی به این جا آمده بود.» اطاعت از مادر واجب است. بعضی‌ها خشکه مقدسند. بی این که به پدر و مادرشان خبر بدهند، شب به مسجد جمکران می‌روند، و آنها تا صبح چشم به راه فرزندشان می‌مانند. این چه جمکران رفتنی است؟! پدر و مادرشان را از خودتان راضی نگه دارید. یازن بدون اجازه‌ی شوهر با کاروان‌ها به جمکران و مشهد می‌رود! (اینها خلاف شریعت خدا و پیغمبر اسلام است.)

[کتاب در محضر مجتهدی تهرانی، جلد یک، محمودی کلیپ‌گانی، صفحات ۳۰۶-۳۰۵.]

سزاوار رفاقت!

آقا خداوند سریع الرضاست، زود می‌بخشد و زود آشتی می‌کند. به کسی غیر خودش نگو، در میان شب دو رکعت نماز بخوان از خدا عذر خواهی کن، توبه کن. تمام گناهانت را نابود می‌کند بلکه گناهان را تبدیل به حسنه می‌کند. خدای به این مهربانی را سزاوار رفاقت است. خدا دوست خوبی است. از امیرالمؤمنین(علیه السلام) روایتی به این مضمون داریم: مؤمنین شاکر خدا هستند، یعنی نعمت‌های خدا را در نظر می‌آورند از او تشکر می‌کنند. و خدا هم از ما تشکر می‌کند تشکر خدا به این است که نعمت را اضافه می‌کند. شکر هر چیزی به حسب خودش است، شکر چشم تنها به گفتن الحمدلله نیست بلکه شکرش این است که به آنجا که مولا راضی است نگاه کنی و به جایی که خدا رضایت ندارد نگاه نکنی.



[فرازی از سخنان آیت‌الله ناصری، برداشت از سایت www.asatizona.ir]

همانطوری که می‌رانی، تو هم راننده‌ای داری

مرحوم مرشد چلوبی می‌گوید: همان طور که خودرو فرمان دارد و فرمانش دست راننده است و راننده به هر طرف که بخواهد خودرو را هدایت می‌کند، خود راننده هم فرمانی دارد که دست خداست. اگر راننده عوضی برود فرمانش را بر می‌گرداند به سوی صراط مستقیم، اما وای بر آن روز که خدا فرمان راننده را آزاد و به حال خود بگذارد و اتو میبل وجود او که در حرکت است بدون راننده رها کند چه بر سرش می‌آید؟ وی این سخنان را به شعر، در دیوان شعرش چنین آورده:

همان طوری که می‌رانی، تو هم راننده‌ای داری
همان طوری که می‌گردی، تو گرداننده‌ای داری
همان طوری که می‌سازی تو هم سازنده‌ای داری
به دست هر ملک هر روز و شب پرونده‌ای داری

[کتاب بهترین کاسب قرن (خاطرات مرحوم حاج مرشد چلوبی)، علی‌عابدی نهاوندی، ص ۱۲۵ تهران سبحان ۱۳۸۳]

کلابی نوبر!

روزی از روزهای گرم تابستان سال شصت بود و هنوز کلابی به بازار نیامده بود. برای یکی از برادران یک عدد کلابی به عنوان نوبرانه آورده بودند، او هم آن را به منشی آقای رجایی داد تا برای رفع خستگی تقدیم نخست وزیر بکند... آقای رجایی که تا آن وقت سخت مشغول به کارش بود، وقتی چشمش به آن کلابی با آن وضعیت شسته و آماده برای خوردن افتاد، با پرس و جوی خاصی به اصل جریان واقف شد و همان برادر را که این کار را کرده بود خواست. وقتی او همراه با شخص دیگری به اطاقش وارد شدند، گفت: «فکر می‌کنید محمدرضا چگونه شاه شد؟ شاهنشاهی او از همین جا شروع شد، یک روز با کلابی نوبر، یک روز با فلان میوه‌ی نایاب و روز دیگر با یک پدیده‌ی نادر و... یک دفعه او با همین چیزها دید به راستی شاه شده است. همان طور که بنی‌صدر با همین تعارفات اطرافیان به خیال خود سپهسالار ایران شده بود. شما اگر می‌خواهید به من خدمتی کنید، گاهی یادم بیاورید که من همان محمدعلی رجایی، فرزند عبدالمصمد، اهل قزوینم. قبلاً دوره گردی می‌کردم و در آغاز نوجوانی قابلمه و بادیه فروش بودم.»

(منبع: سیره شهید رجایی ص ۵۰۶)



سوال اگر شخصی چکی صادر کند که موعد آن همان روز سال خمسی است، باید مبلغ چک را در محاسبه‌ی کدام سال وارد نماید؟

سوال

جواب اگر بابت بدهی مؤونه‌ی همان سال درآمد باشد، می‌تواند استثنا کند.

جواب

استفتائات مقام معظم رهبری - www.leader.ir